

چه بسا لازم باشد که رئیس دولت همچنان که به سفرهای استانی اهتمام دارد، در فواصل زمانی نزدیک مهمان دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه کشور باشد و ضمن طرح مسائل سیاسی و حکمرانی، نخبگان علمی را برای یافتن راه حل انگیزه مند کند یا به ایده‌های آن‌ها گوش دهد و برای سؤال‌نشان جوابی درخور آماده سازد.

انتظامی و از مجلس خبرگان تا ستاد ائمه جمعه و نظایر این. این نهادها هم خود دچار فرسایش ایده شده و هم با عملکرد خود از سرمایه اجتماعی نظام کاسته‌اند. ضمن آنکه ضعف در سامان‌دهی به رقابت‌های سیاسی و عملکرد نهادهای سیاسی در کشور کاملاً مشهود است که به نظر می‌رسد جرقه‌های اولیه آن از انتخابات ریاست جمهوری دهم در سال ۱۳۸۸ زده شده و در بهترین حالت با تنگ کردن میدان رقابت سیاسی میان نامزدها در عرصه انتخاباتی ممکن شده است. تشکل‌ها و احزاب نیز کم‌وبیش با هر سنجه‌ای، رو به ضعف و زوال نقش‌آفرینی دارند. متأسفانه امروزه سامان‌دهی سیاسی بیشتر و در عمل، در کف شبکه‌های اجتماعی به دور از تدبیر نظام سیاسی و در معرض دستبرد و دستکاری دشمنان صورت می‌گیرد. این در حالی است که نسل اول و دوم کارگزاران کشور، که عمدتاً نیروهای آبدیده در کوران حوادث انقلاب و دفاع مقدس بوده‌اند، از علمای تراز اول در مجلس خبرگان رهبری گرفته تا سیاست‌مداران برجسته در تشکل‌ها و جناح‌ها یا سرداران و فرماندهان بزرگ، از دنیا رفته یا از کار افتاده شده‌اند. بسیاری از افراد نسل نو نه تنها ایده‌هایی کارگشا بلکه توانی درخور برای به اجرا درآوردن سیاست‌ها یا به حرکت درآوردن نیروهای سیاسی و قطار سیاست در کشور نشان نداده‌اند. سیاست‌مداران سرآمدی که فکر بکر یا محبوبیت و مرجعیت اجتماعی قابل توجه آن‌ها بتواند قدرت کنشگری راهبردی به ایشان بدهد، روزه‌روز کمیاب‌تر می‌شوند یا از آنجا که دچار گرایش‌گریز از مرکز نسبت به انقلاب و رهبری و قانون اساسی شده‌اند، چندان قابل تکیه نیستند. نخبگانی که بدانند و بتوانند در موقعیت‌های پرمخاطره یا پرفرصت چه باید کرد، کمتر شده یا به حاشیه رانده شده‌اند. جایی که بیش از همه خلأ چنین کارگزارانی دیده می‌شود، در عرصه تصمیم‌گیری‌های سخت و پرهزینه است که همزمان نیازمند حکمت، مهارت و شجاعت است.

کلید زمان در حکمرانی

امر سیاسی فارغ از زمان بی‌معناست. اینکه کارگزاران سیاسی کشور در داخل و خارج چقدر درک و کنش بهنگام و سازگار با موقعیت‌های خطیر مانند «پیچ تاریخی» داشته باشند، بسیار تعیین‌کننده است. ایده‌پردازی و کنشگری سیاسی بهنگام، خودش را در بزنگاه‌ها بیشتر نشان می‌دهد. از سوی دیگر، نظام سیاسی نمی‌تواند برای همیشه بار کاستی‌ها و آسیب‌های نظام حکمرانی را به دوش بکشد. اگرچه نظام سیاسی و نظام حکمرانی دو چیزند، اما چسبندگی آن‌ها موجب می‌شود که در بلندمدت، نظام سیاسی از ناحیه نقایص و انحرافات نظام حکمرانی آسیب جدی ببیند. نظام حکمرانی نیز برای ابد «فرصت اصلاح» خود را نخواهد داشت و مجالی که مردم برای بهبود کارآمدی آن می‌دهند، تا همیشه پایدار نیست. به همین نسبت، نظام سیاسی برای ابد نمی‌تواند منتظر رسیدن